

کارگران جهان متحد شوید!



هشتم مارس روز جهانی زن گرامی باد

هشتم مارس روز جهانی زن از راه میرسد. زنان در طول تاریخ آماج حادثترین تهاجمات مذهب و گرایشات عقب مانده و ضد انسانی دیگر بوده اند. روز جهانی زن از همین روز ترقی خواهی و انسان دوستی و برابری طلبی است. روز نه بزرگ به ارتجاع مذهبی و شوینیستی است. روز دفاع از ارزشهای انسانی و رادیکال و برابری طلبانه است. این روز را بویژه در ایران که یک آپارتاید جنسی تمام عیار حاکم است باید با شکوهی هرچه تمامتر گرامی داشت. بزرگداشت روز جهانی زن در ایران جزئی از نبرد زنان و مردم آزادی طلب علیه حکومت تبعیض و توحش اسلامی است. این روز تمام زنان و مردانی است که بیش از دو دهه است در تمام صحنه جامعه از حرمت و حقوق پایه ای انسانی در برابر مدافعین جهل و اختناق و فقر و تبعیض با چنگ و دندان دفاع کرده اند. یکی از پیشرویهای این نبرد تحمیل هشتم مارس به همین نمایندگان قرون وسطائی طبقه سرمایه دار است که نام این روز را میخواستند از کتابها نیز خط بزنند. سال گذشته در پیش چشمان وحشت زده مامورین حکومت اسلامی تجمعات هشتم مارس در بسیاری از شهرهای ایران با شکوهی تمام برگزار گردید. امسال در شرایط تشدد حاکمین باید این روز را بعنوان روز آزادیخواهی و اعتراض و حق طلبی تثبیت کنیم. این روز را باید به روز دور انداختن حجاب اسلامی، به روز تجمعات در خیابان و کارخانه و دانشگاه و مدارس، و به روز نفی عملی حکومت و قوانین اسلامی تبدیل کنیم. روز جهانی زن را باید با شکوه تمام گرامی داشت. باید کاری کنیم که در این روز جامعه رنگ دیگری بخود بگیرد. باید به همه خبر داد، بر در و دیوار نوشت و با ابتکارات مختلف نزدیک شدن روز زن را به همه یادآوری کرد. باید در هر جا که هستیم به جنبش گرامیداشت هشت مارس دامن بزنیم. روز جهانی زن روز ماست. روز همه زنان و مردان آزاده است. روز آزادیخواهان است. روز تجمع و تظاهرات است. و باید همه با هم به استقبالی گرم از این روز برویم و هشتم مارس امسال را به روزی فراموش نشدنی در پیشروی جنبش دفاع از آزادی و برابری تبدیل کنیم.

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ بهمن ۱۳۸۲ - ۵ فوریه ۲۰۰۴



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۹۸

۲۴ بهمن ۱۳۸۲

۱۳ فوریه ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

توجه: درباره انتشار نشریه انترناسیونال صفحه ۳

آدرس اینترنتی نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

آدرس ای میل نشریه انترناسیونال برای ارسال مقالات و اخبار و گزارشات:

anternasional@yahoo.com



ینار محمد توسط اسلامیهای عراق تهدید به قتل شد

صفحه ۶

۸ مارس، روز مارش علیه ارتجاع اسلامی، علیه مرد سالاری! مصاحبه با اسد گلچینی

صفحه ۲

دستمزد کارگران حداقل باید به اندازه حقوق نمایندگان مجلس افزایش یابد

صفحه ۸

تصویب بیانیه حقوق زن یک رویداد سیاسی مهم

صفحه ۳

مصاحبه با آذر ماجدی

در حاشیه دو خبر

صفحه ۶

کارگر کمونیست

روز دوشنبه منتشر میشود

آغاز یا پایان استبداد؟! (در حاشیه مضحکه انتخابات) صفحه ۵

دوره ایجاد

تشکلهای توده ای

انجمن معلمان کردستان

تشکیل شد

صفحه ۴

مبارزه برای نابودی حکومت اسلامی را باید سراسری کرد صفحه ۵

هفته اعتصاب معلمان، هفته جنبش عمومی علیه رژیم صفحه ۴

اعتراض علیه جنایت رژیم در خاتون آباد ادامه دارد صفحه ۷

آزادی برابری حکومت کارگری!

۸ مارس، روز مارش علیه ارتجاع اسلامی، علیه مرد سالاری!

مصاحبه با اسد گلچینی، دبیر کمیته کل کشور، درباره ۸ مارس



اسد گلچینی: همانطور که اشاره کردم داشتن تصویری درست از وضعیت کنونی در مبارزه مردم بر علیه رژیم، و تشخیص اینکه جنبش آزادیخواهی و رادیکال زنان با بلند کردن پرچم خود و شعارهای خود میتواند بطور واقعی نمایندگی جنبش عظیم زنان را داشته باشد حیاتی است. تشخیص این و توده ای کردن هر حرکت و بسیج بیشترین نیرو از مهمترین کارهاست که فکر میکنم هر سازماندهنده و رهبری در ۸ مارس باید در نظر داشته باشد. و بالاخره خود برگزاری باشکوهتر مراسم های ۸ مارس يك اتفاق مهم است که بر وزن اجتماعی جنبش آزادی زن تاکید میکند و مهر خود را بر تحولات آتی ایران در جهت رهایی زنان میکوبد.

ضمناً باید توجه کرد که اگر نیروی عظیمی در ۸ مارس به حرکت در بیاید، میتواند تاثیر مثبت و مهمی بر فضای جامعه در حال غلبان کنونی بگذارد. مجامع و مراسمهای بزرگ و علنی ۸ مارس امسال میتواند به پیروزی مبارزات در حال جریان بخشهای دیگر جامعه کمک بکند. شعارها و خواست های رادیکالی که در ۸ مارس مطرح شوند میتواند بعنوان خواستهای کل مردم بر سر در جامعه و مبارزات آتی آن کوبیده شود. اتحاد و تشکل رهبران و فعالین این جنبش و گسترش روابط بین آنها در سراسر ایران میتواند به مبارزات جاری معلمان و کارگران و اقشار دیگر قوت قلب دهد و سرمشق باشد. اینها نیز نکاتی است که سازماندهندگان و رهبران حرکتیهای ۸ مارس باید به آن در متن يك جنبش عظیم تر اجتماعی برای سرنگونی رژیم اسلامی مورد توجه قرار دهند. *

رادیکال همراه شود، هر کسی که برای آزادی و حقوق برابر برای زنان در همه شئون جامعه مبارزه میکند باید بیببوند، و هر کس که برای لغو حجاب اجباری و لغو آپارتاید جنسی مبارزه میکند باید بیببوند. و دلیلی ندارد که همه اینها و در واقع یعنی توده میلیونی زنان و مردان آزادیخواه، این جنبش را مال خود ندانند. ما باید در برخورد به هر فعالی که امرش رهایی زنان باشد متقاعد کردن او برای پیوستن باشد. این نکته ای است که فکر میکنم همه فعالین و سازماندهندگان ۸ مارس مهم است در نظر داشته باشند و با اعتماد بنفس به اینکه جنبشها و گرایشها دیگر هیچ افق و آینده ای نمیتوانند جلو پای کسی بگذارند، حرکت خود را تعیین کنند. به این اعتبار من فکر میکنم يك صف مستقل، يك پرچم رادیکال و آزادیخواه وجود دارد که آنرا باید بر افراشت و این جنبش باید در صفاي واحد و بزرگ و بلور از حرکات طرفداران مرتجعین ملی اسلامیها در همه جا به میدان بیاید. جنبش ملی اسلامی ها و مشخصاً فعالیت هایی که در سالهای گذشته هم تحت پرچمی که کسی مثل شیرین عبادی داشته است و مبلغ و سازماندهنده آن بوده اند اکنون دیگر آبرویی ندارد، پروژه زن مسلمان طرفدار حقوق بشر نداریم و این پوچ است. کثافت و ضدیت اسلام و حکومت اسلامی برای زنان در جامعه آنچنان عمیق است که این دلک بازی ها چند هفته هم نتوانست ادامه پیدا کند. رسوا شدن ترندهای چون آشتی حقوق بشر با اسلام امسکان پیشروی جنبش آزادیخواهی زنان را افزایش داده است. توان و امکان توده ای شدن این جنبش و حقانیت شعارها آن در منطبق بودن خواستهایش با خواست میلیونی زنان است.

هفتگی: رهنمود و پیشنهادات به فعالین و سازماندهندگان تظاهراتها و مراسمهای ۸ مارس در شهرهای ایران چیست؟

میادین شهر.

هفتگی: شعارها چیست؟
اسد گلچینی: جنبش آزادی زن با پرچم لغو حجاب اجباری و لغو آپارتاید جنسی، علیه مرد سالاری و ارتجاع مذهبی، و بطور خلاصه برای آزادی و برابری شناخته شده است و برای اینها میجنگد. اینکه اینها را در شرایط ایران و در مراسم و تظاهراتها و سخنرانیها چگونه میتوان بیان کرد به تشخیص فعالین این جنبش در متن توازن قوای موجود مربوط است. مضمون و محتوای این شعارها و بیان و تبدیل کردن آنها به قطعنامه اجتماعات و متینگ و تظاهراتها کار رهبران، فعالین و سازماندهندگان این حرکت هاست. امسال با توجه به موقعیت مفکوک ملی اسلامی ها و پیشروی جدی جنبش رادیکال آزادی زن، گوش شنوا هم بیشتر شده است. در نتیجه بنظر خیلی مهم است که برای تدارک ۸ مارس، فعالین و پیشروان این جنبش به وجود این فضای رادیکال توجه کنند و بر این اساس شعارها و مطالبات جنبش آزادی زن را بیشتر و روشنتر از گذشته بر حرکتیهای ۸ مارس تشبیت کنند.

هفتگی: راجع به مراسمهایی که توسط عناصر و گروههای رژیم یا نزدیک به رژیم چه فکر میکنید، فعالین چپ و رادیکال جنبش آزادی زن چه برخوردی با این مراسمها باید داشته باشند؟

اسد گلچینی: جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان باید قادر باشد و در توان دارد که همه نیروهایی که به هر شکلی و تحت هر نامی، برای رهایی واقعی زنان مبارزه میکنند را در بر بگیرد و آنها را زیر چتر خود قرار بدهد. به نظر من فراخوان همه رهبران و فعالین و سازماندهندگان ۸ مارس در ایران باید این باشد که: هر جمع و گروه و هر کسی که میخواهد مبارز رهایی بدون قید و شرط زنان باشد باید با این جنبش

جامعه باشد. همه ساله ما شاهد برگزاری مراسمها و تجمع های ۸ مارس بوده ایم که در ابعاد بزرگ و کوچک برگزار شده اند. امسال در چنین فضا و رادیکالیسمی، جنبش آزادی زن میتواند بخشی از قدرت عظیم خود را به رو یا رویی با ارتجاع حاکم و برای تحقق خواستهایش به خیابان بیاورد. ۸ مارس خیابانها مال ماست، ۸ مارس امسال باید شاهد مراسمهای بزرگ و عظیمی باشد که قدرت جنبش آزادی زن را به نمایش بگذارد و از هم اکنون باید در تدارک آن بود.

هفتگی: تدارک این مراسمهای بزرگی که اشاره میکنید کجاها اساساً مورد نظر است، چه اشکالی را برای برگزاری ۸ مارس پیش بینی میکنید و یا پیشنهاد دارید؟
اسد گلچینی: هم اکنون آن بخش متشکل و رادیکال جنبش آزادیخواه و برابری طلب زنان، جنبش علیه تبعیض و آپارتاید جنسی، علیه مردسالاری و ارتجاع اسلامی و سنتی و علیه موقعیت درجه دوم زنان در جامعه قادر به این حرکتها میباشد. سالهاست که این جنبش در ۸ مارس به عرض اندام پرداخته است. در سختترین دوران در استبداد حکومت اسلامی این جنبش زنده و فعال و گسترده بوده است و بهر نسبت که ممکن بوده توانسته است مراسمها و تجمع های خود را داشته باشد. کمیونستها همیشه از فعالین این حرکت بوده اند. این جنبش هم اکنون در ابعاد اجتماعی و بزرگی وجود دارد و فعالین آن در سطوح مختلف با هم در ارتباط هستند و شبکه گسترده ای از روابط این جنبش را بهم متصل کرده است. مهم این است که فعالین این جنبش بر همین فضای رادیکال و جنبش عظیم آزادیخواهی زنان متکی باشند و تا آنجا که میتوانند به بسیج آن اقدام کنند. این جنبش در شکل علنی و اجتماعی لازم است بحرکت در آید، در هر شهری و هر جا که ممکن است، در محله و خیابان، در دانشگاه و کارخانه و

هفتگی: ۸ مارس امسال در شرایط متفاوتی با سالهای قبل در ایران برگزار میشود، این تفاوت از نظر شما چه مولفه هائی دارد و چه تاثیر روی برگزاری ۸ مارس میتواند داشته باشد؟
اسد گلچینی: امسال ما شاهد اعتراض و نفرت خیلی عمیقتر مردم نسبت به حکومت اسلامی هستیم و این بحرانهای پی در پی رژیم را شدت بخشیده و به قدرت مردم هم افزوده است. جمهوری اسلامی در مقابل مردم ضعیفتر شده است و در ابعادی بسیار وسیعتر مردم در کشمکش با رژیم هستند. کارگران، زنان، معلمان، جوانان و دانشجویان در تحرکی فعالانه تر و بعضاً سراسری هستند. احتمال انفجار اجتماعی و انقلاب، رژیم را در وحشت مرگ فرو برده است. مردم مترصد فرصت هستند که چگونه کل رژیم را در مقابل خود تضعیف کنند و یا شر آنها را کم کنند. این تشخیص و تصمیم مردم بطور منطقی رشد و گسترش رادیکالیسمی است که ما در دو سه سال گذشته شاهد آن بوده ایم. و در این فضا جنبش آزادیخواهی زن در ایران علاوه بر تحرك جدی تر در مقابل گرایشها سازشکار و مصلحت طلب دارای افق و تصویر روشن و رادیکال تری شده است. بعنوان مثال سقوط شیرین عبادی بعنوان زن مسلمان دارنده جایزه نوبل در نزد مردم که فقط دو هفته صعودش طول کشید، و همچنین رسوا و بی آبرو تر شدن ملی اسلامی هائی که دائماً در تلاشی عبث برای زدن رنگ خود به جنبش آزادی زن بودند، راه را برای پیشروی بیشتر جنبش آزادیخواهی و رادیکال زنان در ایران هموار کرده است و حزب کمونیست کارگری ایران در این میان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. امسال در چنین فضا و شرایطی به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن میرویم. روز ۸ مارس امسال میتواند نمایش يك حرکت اعتراضی وسیع و علنی زنان و مردان آزادیخواه در همه شهرها و در سطح

تصویب بیانیه حقوق زن یک رویداد سیاسی مهم

مصاحبه با آذر ماجدی

درباره بیانیه حقوق زنان، مصوب کنگره چهارم حزب



فعالین و رهبران اعلام نشده آنرا میشناسند.

این جنبش دارای گرایشات مختلف است. در دفاع از حقوق زنان همه هم نظرند ولی در ابعاد آن، در تعریف و تبیین آزادی زن و شرایطی که زنان به خواسته‌های خود میرسند اختلافات بعضا اساسی وجود دارد. کمونیسم کارگری بخش رادیکال و ماکزیمالیست این جنبش را نمایندگی میکند و به سخنگوی آن بدل شده است. کمونیسم کارگری بعنوان گرایش سازش ناپذیر این جنبش شناخته شده است. وجود کمونیسم کارگری، رهبران و فعالین کمونیسم کارگری، مبارزات میلیتانت کمونیسم کارگری باعث شده که این جنبش علی‌العموم نتواند پراحتی تن به سازش دهد، و گرایشات راست در آن نتوانند اهداف مبارزه را تخفیف دهند. کمونیسم کارگری همانگونه که در مبارزه عمومی سیاسی عمل کرده است، دائما "نه" زنان به جمهوری اسلامی را تعمیق کرده است و نقطه سازش‌هایی را که جریان راست و دو خردادی کوشیده اند به جنبش آزادی زن تحمیل کنند به عقب رانده است. موضع رادیکال و سازش ناپذیر کمونیسم کارگری در قبال مذهب، بویژه، عرصه را برای جریان‌های دیگر که صرفا خواهان تعدیل نقش مذهب در جامعه هستند بسیار مشکل کرده است. نقاط تعیین کننده ای در دهه اخیر وجود داشته که کمونیسم کارگری بمشابه رهبر و سخنگوی رادیکال و آزادیخواه در جنبش آزادی زن عروج کرده است، جایزه نوبل و اعتراض ما در اسلو یک نمونه برجسته آنست.

در جنبش دفاع از حقوق زنان مثل هر جنبش اجتماعی دیگر گرایشات راست و چپ وجود دارد که آرمانها و خواسته‌های متفاوتی را نمایندگی میکنند. کمونیسم کارگری گرایش چپ و رادیکال در این جنبش است و در مقابل سازی پذیری گرایشات دیگر سدی محکم بوجود آورده است.

میکند و در این مبارزه قطب نمای خوبی برای جنبش آزادی زن و کمونیسم کارگری است. **هفتگی:** بیانیه روی جنبش آزادی زن و نقش کمونیسم کارگری در این جنبش تاکید میکند. اولاً مولفه های این رابطه چیست، ثانيا تفاوت های اساسی جنبش آزادی زن با حرکت گرایشات دیگری که برای حقوق زنان مبارزه میکنند و یا مبلغ آن هستند کجاست؟

آذر ماجدی: بیانیه مختصرا موقعیت جنبش آزادی زن و یا شاید صحیح تر باشد بگوییم، جنبش دفاع از حقوق زنان را بررسی میکند و سپس درباره نقش و جایگاه کمونیسم کارگری در رابطه با این جنبش صحبت میکند. مبارزه برای حقوق زنان همراه با انقلاب ۵۷ به یکی از عرصه های قابل توجه مبارزه اجتماعی بدل شد. سازمان های زنان شکل گرفتند، نشریات زنان و ادبیات مربوط به مساله زن منتشر شدند. برای اولین بار پس از سالیان دراز ۸ مارس بعنوان یک واقعه مهم سیاسی در سال ۱۳۵۷ برگزار شد. حرکت و مبارزه برای کسب حقوق و تشبیت مساله زن بعنوان یکی از مسائل مهم اجتماعی با روی کار آمدن یک نظام تا مغز استخوان زن ستیز و ارتجاعی تلافی یافت. این واقعه مساله زن را به راس مسائل مهم و مبرم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برد. مبارزه با تزییقات جمهوری اسلامی سرعیا ابعاد اجتماعی وسیع یافت. این مبارزات برای دوره ای در اختناق سیاهی که بر جامعه تحمیل شده بود، فروکش کرد ولی "جنبش مقاومت" زنان شکل گرفت و هر روز گسترده تر و عمیق تر شد. در دهه اخیر ما شاهد یک جنبش وسیع و اجتماعی بر سر دفاع از حقوق زنان هستیم. بخاطر اختناق و سرکوب، این جنبش فاقد سازمان ها و رهبری رسمی علنی در درون جامعه است، ولی همه به وجود و اهمیت این جنبش اذعان دارند و

هفتگی: با توجه به وجود برنامه حزب کمونیست کارگری و مباحث و مطالبات مربوط به حقوق زن در آن، جایگاه و اهمیت بیانیه مصوب کنگره در کجاست؟

آذر ماجدی: تصویب بیانیه حقوق زنان در کنگره چهارم حزب از نظر سیاسی حائز اهمیت است. اولاً، این یک واقعه مهم سیاسی است که کنگره حزب ما، بزرگترین حزب سیاسی جامعه و مهمترین و بانفوذترین سازمان چپ ایران، حقوق زنان و موقعیت جنبش دفاع از حقوق زن را به بحث میگذارد و سندی را در این رابطه تصویب میکند. این رویداد جایگاه مهم مساله زن را برای حزب ما بیان میکند.

ثانياً، این سند این امکان را فراهم میکند که جنبش دفاع از حقوق زنان را حول آن بسیج کنیم. بیانیه حقوق زنان پلاتفرم سیاسی کمونیسم کارگری در رابطه با جنبش دفاع از حقوق زنان است. بعنوان یک سند سیاسی که روشن و گویا موقعیت جنبش آزادی زن را تبیین کرده و مطالبات پایه ای زنان را مطرح ساخته است، در قطب بندی ایجاد کردن درون این جنبش و بسیج و گرد آوردن نیرو میتواند نقش مهمی ایفا کند.

ثالثاً، این سند میتواند به معیار سنجش جریان‌ات و احزاب سیاسی دیگر در قبال مساله زن نیز بدل شود. مساله زن یکی از مهمترین مسائل جامعه ایران و انقلاب آتی ایران است. احزاب و جریان‌ات سیاسی باید برای آن پاسخ روشن و صریح داشته باشند. نمیتوان با کلی گویی از کنار آن گذشت و از زیر بار پاسخ گویی شانه خالی کرد. جنبش آزادی زن پخته تر و رشد یافته تر از آنست که زیر بار کلی گویی برود. بعلاوه کمونیسم کارگری با برنامه روشن و سابقه فعالیتی روشن و میلیتانت در این عرصه اجازه چنین کاری را به جریان‌ات سیاسی نخواهد داد. بیانیه حقوق زنان در این راستا بما کمک

توجه:

درباره انتشار انترناسیونال

این شماره، آخرین شماره انترناسیونال هفتگی است. از هفته آینده (جمعه، ۱ اسفند ۱۳۸۲، ۲۰ فوریه ۲۰۰۴) انترناسیونال هفتگی منتشر نمیشود و بجای آن نشریه **انترناسیونال** دو بار در هفته در روزهای سه شنبه و جمعه منتشر خواهد شد.

برای دریافت نشریه انترناسیونال

لطفا به آدرس زیر مراجعه کنید:

www.anternasional.com

آدرس ای میل نشریه انترناسیونال

برای ارسال مقالات و اخبار و گزارشات چنین است:

anternasional@yahoo.com

کلیه شماره های انترناسیونال هفتگی همچنان از سایت این

نشریه در آدرس زیر قابل دسترس هستند:

www.haftegi.com

داده شده اند.

هفتگی: بیانیه چه امکان و فعالیتی را در جهت رهائی زنان در دست فعالین جنبش آزادی زن قرار میدهد؟

آذر ماجدی: بنظر من بیانیه حقوق زنان یک پلاتفرم روشن سیاسی است. همانطور که در بالا نیز اشاره کردم این بیانیه به جنبش آزادی زن امکان میدهد تا به گرد این پلاتفرم نیرو بسیج کند و آنرا به ابزاری برای ایجاد چسبندگی در درون جنبش بدل کند. جنبش دفاع از حقوق زن به یک پلاتفرم سیاسی و مبارزاتی نیاز دارد. نقاط اشتراك و افتراق میان گرایشات مختلف باید در شکل سیاسی نیز تعریف و تبیین شود. بخصوص در شرایط حاضر که جامعه در آستانه یک انقلاب قرار گرفته است این مساله حائز اهمیت بسیار است. بیانیه حقوق زن پراحتی میتواند در چنین ظرفیتی مورد استفاده قرار گیرد. حزب کمونیست کارگری خود تلاش خواهد کرد که با اشاعه و طرح این بیانیه در سطح وسیع در جامعه این کار را به پیش برد. *

هفتگی: بجز رژیم اسلامی و قوانین آن، چه مسائل مهم دیگری باید بخاطر رهائی واقعی زنان از سر راه کنار زده شوند، و این در بیانیه به چه صورت منعکس است؟

آذر ماجدی: ستمکشی زنان فقط حاصل رژیم مذهبی نیست. کما اینکه در آزاد ترین و پیشرفته ترین کشورهای جهان نیز زنان هنوز تحت ستم اند و برای برابری مبارزه میکنند. نظام مذهبی و حاکم بودن سنت های عقب مانده در جامعه ابعاد ستمکشی زن را در ایران تشدید کرده است. ستمکشی زن یک پدیده همگانی جوامع مدرن است. زن ستیزی و مردسالاری در شکل حاضر حاصل مناسبات حاکم است. همچون سایر پدیده ها و نهادهای فکری، فرهنگی، ایدئولوژیک در جوامع مدرن، مردسالاری نیز محصول نظام سرمایه داری است. این نظام است که مردسالاری را هر روزه و از نو بازتولید میکند. رهایی کامل زن در گرو سرنگونی نظام سرمایه داری است. این مساله در بیانیه مطرح شده است و زنان آزادیخواه به پیوستن به صفوف حزب کمونیست کارگری که دقیقاً برای این هدف و آرمان میجنگد فراخوان

انجمن معلمان کردستان تشکیل شد

دوره ایجاد تشکلهای توده ای (به مناسبت تشکیل انجمن معلمان کردستان)

رحمان حسین زاده



جمهوری اسلامی از هر زمانی ضعیف تر است. اعتراضات و مبارزات کارگران و مردم علیه این رژیم به وضوح در حال پیشروی و گسترش است. سرباز کردن شکافهای بالای جمهوری اسلامی، فرصت تعرض بیشتر مردم به کل این رژیم را فراهم کرده است. دست بالا پیدا کردن جناح راست و هارت و پورت آن نه تنها نمیتواند به داد این رژیم برسد، چه بسا آن را در مقابل مبارزات مردم بی حفاظ تر کرده است. جنبش سرنگونی و انقلابی بیش از پیش با چشمانی باز به جلو گام برمیدارد. حزب کمونیست کارگری قدرتمند و روشن بین پیشاپیش این مبارزه برای برچیدن بساط ۲۵ سال حاکمیت سیاه اسلامی میکوشد. ایجاد تشکلهای توده ای کارگران و مردم، حلقه بسیار مهمی در روند پیشروی مبارزات کنونی است. تجربه ایجاد "انجمن معلمان کردستان" نشان داد میتوان به این نیاز جواب داد و سریعاً دست بکار شد.*

کرده است. فعالین و پیشروان مبارزات جاری با تشخیص این حقیقت میتوانند برنامه ریزی کنند و جویگویی نیاز عاجل مبارزات این دوره باشند. پیشروی مبارزات جاری و دستیابی به مطالبات فوری و بهبود در اوضاع کنونی کارگران و مردم، و مهم تر، ایجاد صفتبندی محکم و گسترده و سازمانیافته در مقابل رژیم سرمایه اسلامی و تعرضات آن، ایجاد سازمانهای توده ای را میطلبد.

تشکل سراسری معلمان در کردستان در شرایطی اعلام موجودیت میکنند که دور جدیدی از مبارزه معلمان در سراسر ایران برای مطالبات فوری چون افزایش حقوقها، رفع تبعیض، لغو تفتیش و کنترل بر مدارس و حق مسکن شروع شده و انتظار میرود که در هفته آینده ابعاد موثر و جدیدی به خود بگیرد. خواسته ها و مطالبات مشترک معلمان، لزوم مبارزه متحد و متشکل معلمان در سراسر ایران را تاکید میکنند. انجمن معلمان کردستان با پیوستن به این مبارزات میتواند نقش تعیین کننده ای در پیروزی آن ایفا کند.

در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۸۲ در اولین مجمع عمومی جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ نفر از معلمان در شهر سنندج گرد هم آمدند و انجمن معلمان کردستان را ایجاد کردند. این اقدام گام مهمی در پیشروی مبارزات معلمان و نه تنها معلمان، بلکه مردم حق طلب در جامعه ایران است. پیام این حرکت تاکیدی بر این واقعیت است که دوران متحد و متشکل شدن بخشهای مختلف مردم، دوره ایجاد تشکلهای توده ای حول خواسته های سیاسی و صنفی و دوره بهم فشردن صفوف مبارزاتی و پایان دادن به دوران پراکندگی مبارزاتی است. اکنون زمان ایجاد مجامع عمومی و شورای کارگران در محیط کار و کارخانه، و پی افکندن نهاد "اتحاد کارگری علیه بیکاری"، زمان ایجاد تشکلهای و شوراهای دانشجویان و دانش آموزان، زمان ایجاد و گسترش کانونها و انجمنهای زنان، معلمان، کارمندان و دیگر اقشار و بخشهای مردم است. در یک کلام تناسب قوای مساعد ایجاد تشکلهای و نهادهای توده ای در میان کارگران و بخشهای مختلف مردم را به امر عاجل تبدیل

ایجاد تشکل معلمان این امکان را به معلمان در کردستان میدهد که علاوه بر اینکه از حقوق صنفی شان دفاع کنند همزمان در مقابل تعرضهای رژیم به معلمان و دانش آموزان و دخالت در محیط آموزشی و تهدید اداره حراست بایستند و از آزادی و حقوقشان دفاع کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تبریک ایجاد انجمن معلمان، کلیه معلمان را به مبارزه ای پیگیر و پیوستن به اعتراض سراسری معلمان فرا میخواند.

معلمان مبارز با استفاده از وزن اجتماعی و اتوریته معنوی که در میان مردم و بویژه در میان دانش آموزان و خانواده هایشان دارند، میتوانند تاثیر چشمگیری بر روند مبارزه اجتماعی مردم و برای آزادی و برابری ایفا کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ بهمن ۱۳۸۲ - ۱۲ فوریه ۲۰۰۴

در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۸۲ در نشست مجمع عمومی با حضور ۶۰۰ نفر از معلمان در شهر سنندج و در سالیان سرای سالمندان سازمان بهزیستی، انجمن معلمان کردستان رسماً ایجاد شد. در اولین مجمع عمومی، هیئت مدیره ۵ نفره ای برای هدایت انجمن معلمان انتخاب شد.

در این جلسه نمایندگانی از جانب معلمان شهر سنقر حضور داشتند.

تشکل سراسری معلمان در کردستان در شرایطی اعلام موجودیت میکنند که دور جدیدی از مبارزه معلمان در سراسر ایران برای مطالبات فوری شروع شده و انتظار میرود که در هفته آینده ابعاد موثر و جدیدی به خود بگیرد. خواسته ها و مطالبات مشترک معلمان، لزوم مبارزه متحد و متشکل معلمان در سراسر ایران را تاکید میکنند. انجمن معلمان کردستان با پیوستن به این مبارزات میتواند نقش تعیین کننده ای در پیروزی این مبارزات ایفا کند.

هفته اعتصاب ۲۵ بهمن ماه معلمان را به هفته جنبش عموم علیه رژیم تبدیل کنیم

از پیش را از سوی همه مردم شاهد باشند. با پیوستن به اعتصاب سراسری معلمان همه جا را به صحنه حمایت از اعتصاب آنان تبدیل کنیم. به جمهوری اسلامی نباید امان داد. به اعتراضات خود شدت دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ بهمن ۱۳۸۲

۱۱ فوریه ۲۰۰۴

در برابر خود ببینند و یکبار دیگر بر خود بلرزند. یک هفته اعتصاب معلمان باید به یک هفته التهاب و اعتصاب و کم کاری و تجمع و بحث و طومار و تظاهرات تبدیل شود. فضای اعتراضی ای که بر جامعه حاکم است این امکان را به همه ما میدهد و معلمان که ۴ سال است با تجمع و اعتصاب و تظاهرات و به اشکال مختلف در برابر این حکومت ایستاده اند، باید همیاری و همبستگی ای حتی گرمتر و فعالتر

وسیع و پشتیبانی گرم و پرشور از مبارزه معلمان به حاکمان نشان داد که میلیونها زن و مرد و دانشجو و دانشجو و همه مردم در کنار معلمان ایستاده اند و همگام با آنها فریاد حق طلبی را سر میدهند.

حکومت اسلامی سرمایه داران و کل مفت خواران و چپاولگرانی که در سایه این حکومت جامعه ایران را به محل بیکه تازی و غارتگری و قلدری خود تبدیل کرده اند باید در روز ۲۵ بهمن ماه صف متحد ما را

و زنان و دانشجویان و دانش آموزان و میلیونها انسان منزجر از رژیم منفور اسلامی است. پیروزی و پیشروی معلمان نیز موفقیتی برای کل مردم بجان آمده این جامعه است. اعتصاب ۲۵ بهمن ماه معلمان را میتوان به یک اعتصاب عمومی در ایران تبدیل کرد. در شرایطی که حکومت اسلامی درگیر در بحران و نزاعهای درونیش میکوشد خود را در برابر مردم یکپارچه تر کند، باید با حمایتی

معلمان روز ۲۵ بهمن ماه را روز آغاز اعتصاب سراسری خود اعلام کرده اند. قرار است یک هفته در سراسر کشور مدارس تعطیل شود و دهها هزار معلم در تجمعات خود بر خواستههایی چون رفع تبعیض، افزایش حقوقها، لغو تفتیش و کنترل برمدارس، و حق مسکن و حقوق انسانی خود تاکید کنند. خواستههای معلمان خواست همه مردم حق طلب ایران است. خواستههای معلمان خواست کارگران

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آغاز یا پایان استبداد؟!

درحاشیه مضحکه انتخابات

سیاوش مدرسی



مردم را به اصلاح پذیری رژیم اسلامی و اینهمه فداکاری نمایندگان "محترم شما!" جلب کنند. حقیقتش خود "نمایندگان" متحصن هم انتظار داشتند که بعد از در کردن هر فقره توپ افطار مضحکه روزه سیاسی، مردم دورشان جمع شوند و کاسه بشقاب لفت و لیس افطاریشان را جمع کنند. اما مردم با بی‌اعتنایی کامل به این مسخره بازی به کار خودشان ادامه دادند. اعتصابات و مبارزات کارگری اوج و گسترش بی سابقه ای یافته است، مبارزات معلمان بعد از وقفه ای کوتاه درست در این زمان نفس و اوج جدیدی بخود می گیرد. مردم بکار خود مشغولند و باندهای حکومتی اسلام به کار خود!

اما جناح راست که دیگر سیاست های عوام فریبانه جناح دوحرداد را در حفظ کلیت نظام شکست خورده می بیند، از سر استیصال به سیاست اعاب بیشتر و مقابله خشن با موج اعتراضات فراینده مردم می اندیشد. به خون کشیدن اعتراض کارگران خشمگین در خاتون آباد کرمان عریان این سیاست بود. اما ره بجایی نخواهند برد، ناکارایی این سیاست را توازن قوای درونی جامعه همین امروز عریان کرده است.

مقابله مردم با کلیت نظام، درهم ریختگی، اغتشاش و چند دستگی شدیدی را به سرتاپای سیستم اسلامی حاکم بر ایران تحمیل کرده است. ماشین نظامی و سرکوبگر رژیم در تمام جنبه های سیاسی، اطلاعاتی و نظامی آن چند پارچه و درهم ریخته است. اگر هنوز این رژیم پابرجا مانده است از

مبارزه برای نابودی حکومت اسلامی را باید سراسری کرد!

عبدالله شریفی



سرشان نگذشته است که داریم به استقبال اعتصاب سراسری معلمان، ۸ مارس و اول مه میرویم. این سوالات که مردم چکار خواهند کرد و مردم چکار کنند بهتر است دارد بر فراز فضای سیاسی جامعه ایران میچرخد.

بی شک تداوم اعتراضات سراسری و متحد میتواند آخرین نفسهای این رژیم را بگیرد. دانشگاه و کارخانه و خیابان و محله باید همه جا به وسعت ایران میدان جدال نهایی با آدمکشان اسلامی شود. مردم باید از این فرصت استفاده کنند. آرایش نظام در هم ریخته است. تجدید آرایش حتی بصورت موقت هم برایشان معضل بزرگی است. شکاف ها دهن باز کرده اند. رژیم ضربه پذیرتر و بی روحیه تر از

همیشه دارد در این دوران بحرانی عمر ننگین خود جان میکند. بحران نظام اسلامی جدی تر و عمیق تر از آن است که راه چاره ای داشته باشد، شاید بتوانند در مقابل موج اعتراض مردم کل حکومتشان به "روزه سیاسی" دست بزنند! سرانجام این بحران بی تردید مرگ حکومت اسلامی است. اما این مرگ خود به خود و بتدریج و بدون دخالت مردم ممکن نخواهد شد. باید نیروی عملی کردن مرگ دستگاه آدمکشان اسلامی را متحد و سراسری به میدان کشید. امروز کل فاکتورهای سیاسی امکان تعرض سراسری و یکپارچه را میسر کرده است. باید سرنگونی این رژیم سریعاً به مصاف جمهوری اسلامی تضعیف شده برود و کارش را یکسره کند. این نزدیک ترین و کم مشقترین راه است. *

ها و کارخانه ها برگزار میکنند، صندوق رای آنها خیابان است، اعتصاب و مبارزه سراسری سلاح آنها است و رای شان سرنگونی حکومت اسلامی است.

این نه آغاز که پایان کار استبداد است! ایران آستان انقلاب است، زنده باد انقلاب! *

قدرت بخانه فرستادن مردم را ندارد. این تهدیدهای "مظلومانه" نیروی ایثارگر "اصلاحات" اسلامی تنها اسباب تمسخر است. اما آنچه واقعیت دارد این است که با بیرون رفتن مشارکتی ها و مجاهدین انقلاب اسلامی ها و چند گروه دیگر از یاران "رشید" دو خرداد، دوم خرداد دارد تکه تکه از میدان دور انداخته میشود. عدم کارایی دوم خرداد برای کنترل مردم دیگر واضح تر از همیشه است و کسی نه پشت سرشان است و نه ذره ای توهم به آنها وجود دارد. بهمین دلیل جناح راست هم آنها را باندازه قواره امروزشان تحمل میکند و دارند بخشی از آنها را کنار میزنند. دو خردادیها هم بخاطر حفظ نظامشان، طبق معمول، راهی جز گردن کج کردن ندارند.

اما همه اینها تنها منظره آشفته و در هم ریخته مجلس و دولت و بیت "آقا" را به نمایش میگذارد. بیرون این اختلافات جناحها، سیاست ایران با مناظر تعیین کننده تری معنی پیدا میکنند. مردم معترض ایران اگر چه با ظاهری بی تفاوت پروسه این بحران اخیر رژیم در مورد مضحکه انتخابات را نگاه کردند، اما دارند خود را برای مقابله با جمهوری اسلامی ضعیف تر شده از این بحران حکومتی مهیا میکنند. نوبت همین مردم برای تعرض در راه است. این مردم پایان نظام اسلامی را جواب خود به کل رویدادهای اخیر ایران میدانند. تا اینجا با اعتراض معلمان و تداوم اعتصابات کارگران، نیمرخ این چهره نمایان شده است. هنوز طنین امواج ۱۶ آذر و اعتراضات پی در پی کارگران و دانشجویان و معلمان از

حکومت نکبت اسلامی در ایران خواهد بود.

عروج مبارزات سراسری و گسترده دور از انتظار نیست، رژیم اسلامی در اوج ناتوانی و ضعف است و سرنگونی آن کار دشواری نخواهد بود. مردم دارند انتخاباتشان را در خیابانها و کوچه

با دخالت خامنه ای در مورد مضحکه انتخابات مجلس هفتم، ادامه نمایش ۲۵ روزه تحصن رد صلاحیت شدگان مجلس اسلامی ضرورت خود را از دست داد. حاصل چانه زنیهای سران حکومت اسلامی بر سر توازن جناحها در مجلس اسلامی، با پذیرش ۱۲۰۰ کاندید از ۴۰۰۰ کاندید رد صلاحیت شده و کنار آمدن خاتمی و کرویسی با شرایط خامنه ای، سرانجام منجر به قبول برگزاری نمایش "انتخابات" در موعد مقرر شد.

رژیم اسلامی یکی از دوره های سخت بحران لاعلاجش را سپری میکند. هم مردم ایران و هم سران حکومت اسلامی و هم دوستان و دشمنان این دو جبهه متخاصم، این واقعیت را میدانند. اذعان به این حقیقت در وحشت و هراس سران رژیم بخوبی پیدا است. حتی امکان توجیه و پنهان کردن وضع نابسامان خود را هم ندارند. خامنه ای مثل همیشه جناح مقابل را نادان و گردن کلفت نامید. و بالاخره اخوی رئیس جمهور را ناچار کردند سوت پایان مضحکه تحصن را بصدآ در آورد.

تکرار ملال آور همان کدهای سابق توسط دو خردادیها برای ترساندن رقیب و امتیاز گیری از آنان نتیجه ای نداد. دوستانشان در خارج حکومت مخاطره کودتا را بر میان کشیدند تا که در این بی افقی، "یاری" بیابند و "استمدادی" طلب کنند. که البته این ترفند بیمایه تر از آن است که کسی سرش را برگرداند، اولاً دو خرداد آنقدر مفلوک هست که نیازی به کودتا علیه وی نباشد، ثانیاً این دیگر برای هر کس و بیشتر از همه برای خود رژیم هم روشن است که حکومت

پراکندگی مبارزات مردم در عرصه های مختلف است، تا زمانی که مبارزات مردم سراسری نشود، ظرفیت و توان رژیم برای مقابله با اعتراضات کوچکتر باقی میماند. سامان دادن به مبارزات سراسری کارگران، معلمان، زنان و جوانان پرتاب آخرین سنگ بر شیشه عمر

در حاشیه دو خبر

کاظم نیکخواه

سفیران حماقت

است که دارند بخشی از دوم خرداد را در آستانه مجلس اسلامی سر میبرند، اهمیتی برای سیاستگزاران اروپایی ندارد. آنها از عقب نشینی موضعی حکومت در مورد بازرسی ایستگاههای اتمی و چراغ سبزه‌های حکومت اسلامی در مورد القاعده و عراق اطمینان یافته‌اند که جمهوری اسلامی قرار نیست بده بستان با غرب را تعطیل کند یا کاهش دهد، و همین برایشان کافیتست. آینده اما نشان خواهد داد که هر دو طرف این معامله بازنده‌اند. مردم برای این بازی‌ها ترمه خرد نمیکنند. با این بازیهای مسخره نمیشود میلیونها مردمی را که در ایران عزم کرده‌اند زندگی و حرمت انسانی خود را به زیر کشیدن حکومت توحش اسلامی سرمایه داران نجات دهند، منحرف کرد.

قانون منع حجاب در مدارس فرانسه

پارلمان فرانسه روز دهم فوریه با اکثریتی قاطع (۴۹۴ موافق در مقابل ۳۶ مخالف) به قانون منع سلبهای مذهبی در مدارس رای مثبت داد. این قانون باید برای تصویب نهایی به تایید سنای فرانسه برسد و در صورت تصویب در آنجا از ماه سپتامبر یعنی سال تحصیلی جدید به اجرا گذاشته خواهد شد. با توجه به اینکه رد این قانون در مجلس سنا با توجه به استقبال عمومی از آن بعید بنظر میرسد، میتوان گفت که از ماه سپتامبر هیچکس اجازه ندارد در مدارس فرانسه حجاب اسلامی، کلاه یهودی یا صلیب مسیحی حمل کند. با تصویب این قانون کودکان از یک جنبه از دست درازی مذهب به حقوق خویش آزاد میشوند. این جمله زیبایی منصور حکمت یک واقعیت کوبنده و انکار ناپذیر را بیان میکند که "کودک مذهب ندارد" و اگر دختران خردسال در کشورهای اسلام زده و در محیطهای اسلامی چادر بسر میکنند و از بخش مهمی از دنیای کودکان خود محروم میشوند، آشکار است که این انتخاب خود آنها نیست بلکه اجبار بیرحمانه و ضد انسانی ای است که

پرنس چارلز ولیعهد انگلستان این هفته به ایران سفر کرد و پس از دیداری با خاتمی به بم سفر کرد تا جنبه انسانی و غیر سیاسی دیدارش را تاکید کرده باشد. هیچکس هدف این سفر را انسانی توصیف نکرد. بلکه همه جا صحبت از این بود که ولیعهد انگلیس بعنوان سفیر صلح اروپا با جمهوری اسلامی و برای نجات این حکومت از بحرانی که گرفتار آنست به ایران سفر کرده است. همزمان با سفر چارلز دو وزیر زن دولت سوئد، وزیر مهاجرت و وزیر انتگراسیون، نیز اعلام کردند که قرار است به زودی در ارتباط با مساله پناهندگان افغانی و جذب شماری از این پناهندگان به سوئد روسری بسر کنند و راهی ایران شوند. یعنی سفر آنها نیز غیر سیاسی اعلام شد. سوال اینست که چرا همه ابا دارند از اینکه هدف سفر خود را آنطور که واقعا هست یعنی دیپلماتیک و سیاسی اعلام کنند؟ واقعیت اینست که در شرایطی که جمهوری اسلامی در باتلاق بحران داخلی گیر افتاده و در حلقه انزجار و نفرت بی سابقه مردم دست و پا میزند دولتهای اروپایی جرات حمایت مستقیم از این رژیم را بخود نمیدهند. اما آشکارا راه افتاده‌اند تا اعلام کنند که جمهوری اسلامی علیرغم کنار زدن دو خردا دیها و علیرغم انزجار غیر قابل انکار مردم ایران از این رژیم، از "جامعه بین المللی" بیرون گذاشته خواهد شد. این مرادوات بویژه در شرایطی که سیاست آمریکا در عراق به شکستی آشکار رسیده است، دیگر شکل دهن کجی با حکومت بوش را نیز از دست داده است، بلکه بر عکس دعای خیر کاخ سفید را برای سرگرفتن معامله با جمهوری اسلامی نیز با خود دارد. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی برای نجات از دست مردم در ایران به کمک غرب امید بسته است و غرب علاوه بر مصالح سیاسی و اقتصادی متعدد، در بحران سیاسی عراق نیز به کمک و همکاری حکومت اسلامی ایران چشم دوخته است. این که این مرادوات درست زمانی فعال تر شده



خود را به قبول آن ناچار می بینند. تصویب این قانون بی شک تاثیرات عمیق خود را در سطح جهان باقی خواهد گذاشت و زمینه را برای پیشروی و پیروزیهای هرچه بیشتر نیروهای ترقی خواه و کمونیست و سکولار که خواهان سد کردن دست درازی مذهب بویژه قوانین و سنتهای اسلامی به زندگی اجتماعی افراد و بویژه کودکان هستند، هموارتر میکند. اینکه دولت و احزاب دست راستی و نمایندگان مجلس فرانسه دفاع از این قانون را با چاشنی قوی ناسیونالیسم فرانسوی آلوده کردند تا بتوانند اسلامی‌ها و کاتولیکها و سایر متعصبین مذهبی را به انزوا برانند و در عین حال رادیکالیسم و چپ جامعه را به حساب نیاورند، هیچ چیز از تاثیر عمیق سیاسی این قانون در سطح جهان کم نمیکند. جهان تشنه‌رهایی از تعدی مذهب و خرافات و جریانات سیاسی و مرتجع مذهبی است. قانون منع حجاب کودکان در فرانسه گرچه از جانب دولت فرانسه طرح شد اما در واقع انعکاسی از این گرایش عمیق ضد مذهبی است که نه فقط در میان مردم فرانسه بلکه در سطح جهانی در دهه اخیر شدت رشد کرده است. همین گرایش رادیکال بی تردید سد مقاومت جریانات محافظه کار و راست و ارتجاعی را در تک تک کشورهای دیگر نیز یکی بعد از دیگری خواهد شکست. در میان تمام جریانات مذهبی بی تردید اسلام سیاسی که بیشترین دست درازی را به حقوق کودکان و حقوق انسانی مردم صورت داده است، بازنده فوری و اصلی این پیشروی خواهد بود. *

درمورد تهدید به قتل ینار محمد توسط اسلامیهای عراق

دفاع از ینار محمد برخیزد. اسلامیهها و سیاست آمریکا را قاطعانه محکوم کند و از حقوق زنان و خواست مردم عراق برای یک دولت سکولار، غیرقومی و غیرمذهبی پشتیبانی کند. دنیا باید از سازمان آزادی زن و حزب کمونیست کارگری عراق با تمام قوا پشتیبانی کند. این تنها راهی است که صف آزادیخواهان و سکولارها، صف زنان و مردان برابری طلب در عراق را در مقابل جریانات ارتجاعی تقویت میکند و اسلامیهها را در تنگنا میگذارد. این تنها پاسخ شایسته بشریت مستمن در مقابل جریانات کثیف و آدمکش اسلامی است. جریانات مرتجع اسلامی باید خود را بازنده احساس کنند. هرچه ابعاد حمایت از ینار و دامنه پشتیبانی از خواستهای مردم عراق وسیعتر باشد، هرچه از سازمان آزادی زن عراق و حزب کمونیست کارگری عراق بیشتر حمایت شود، اسلامی‌ها را بیشتر عقب میراند.

حزب کمونیست کارگری ایران تهدید به قتل ینار و جریانات تروریست اسلامی را بشدت محکوم میکند و دوش به دوش سازمان آزادی زن عراق و حزب کمونیست کارگری عراق از خواستهای عادلانه و آزادیخواهانه زنان و مردم ستمدیده عراق پشتیبانی میکند و مجامع بین المللی، احزاب و سازمانهای پیشرو و مدافع حقوق انسان، و همه مردم آزادیخواه را فرامیخواند تا با تمام قوا در این رودروئی در کنار ینار محمد و جنبش او قرار بگیرند.

طبق اطلاعیه سازمان آزادی زن عراق، ینار محمد از بنیانگذاران این سازمان و کادر سرشناس حزب کمونیست کارگری عراق بخاطر فعالیتش در دفاع از حقوق زنان و افشای جریانات اسلامی، در روز ۳۱ ژانویه به قتل تهدید شده است. باند اسلامی "ارتش صحابه" که ینار محمد را به قتل تهدید کرده است از ینار خواسته است فعالیت برای حقوق زنان را متوقف کند وگرنه با شمشیر اسلام به زندگی اش خاتمه داده میشود.

موضع رادیکال علیه اسلاميون و مخالفت با سیاست جنایتکارانه و ارتجاعی آمریکا و متحدینش در عراق، شهادت سیاسی و گستردگی فعالیت در عراق و در سطح بین المللی، ینار محمد را به یک چهره بین المللی و محبوب در میان آزادیخواهان جهان تبدیل کرده است. از آمریکا و کانادا تا اروپا و خاور میانه ینار به سمبل و سخنگوی قاطع زنان تحت ستم در عراق تبدیل شده است. رشد و گسترش نفوذ ینار و سازمان آزادی زن عراق، اسلامیهها را به صرافت تهدید او انداخته است. این فقط نشانه مقبولیت ینار و جنبشی است که ینار به آن متعلق است. نشانه مقبولیت اهداف و آرمانهای ینار در میان زنان و مردم محروم عراق است. نشانه بی پایه بودن جریانات اسلامی در میان مردم است. اینها فقط با قتل و ارباب و خفقان و در تاریکی میتوانند رشد کنند.

میدان داری جریانات مرتجع و تروریست اسلامی محصول جنگ

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ فوریه ۱۸۲۰۰۴

بهمن ۱۳۸۲

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید!

اعتراض علیه جنایت رژیم در خاتون آباد ادامه دارد

سیل نامه‌ها و طومارهای اعتراضی کارگران و مردم ایران و اتحادیه‌های کارگری غرب علیه جنایت جمهوری اسلامی در خاتون آباد و شهر بابک و در حمایت از مبارزات و خواست کارگران ادامه دارد. در انترناسیونال هفتگی دو هفته قبل به نامه‌های اعتراضی جمعی از کارگران ایران خودرو، کارگران معادن سنگ آهن بافق، و جمعی از کارگران خیز سقر و خود مردم خاتون آباد و شهر بابک اشاره کردیم. در اینجا به بخش دیگری از اعتراضات کارگران بخشهای مختلف از شهرهای ایران اشاره می‌کنیم. علاوه بر این کمیته بین المللی حزب برای محکومیت جنایت جمهوری اسلامی و برای جلب حمایت سازمانهای کارگری در دفاع از کارگران خاتون آباد تاکنون به عکس العمل شدید تعدادی از اتحادیه‌های کارگری انجامیده است که به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

اتحادیه کارکنان

بیمارستانها و مراکز درمانی

اتحادیه کارکنان بیمارستانها و مراکز درمانی سراسری در ایران به مناسبت بروز حوادث شهر بابک و کشته شدن ۴ کارگر در این حوادث بیانیه‌ای صادر کردند و طی آن اعلام‌ان این رویداد را محکوم کرده و خواهان رسیدگی به وضع کارگران شدند.

کارگران کبریت سازی

ممتاز تبریز

جمعی از کارگران کبریت سازی ممتاز تبریز و کارگران شرکت صنعتی سالمی در نامه‌ای که رونوشت آن به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده کشتار کارگران ذوب مس خاتون آباد را محکوم کردند و با کارگران و مردم شهر بابک و خاتون آباد اعلام همبستگی نمودند. در نامه کارگران کبریت سازی اینطور آمده است:

"ضمن همدردی با کارگران و مردم شهر بابک روز جمعه اخبار دلخراش کشته و زخمی شدن تعدادی از کارگران در این شهر را شنیدیم. این اخبار دور از انتظار نبوده و نیست. چرا که حکومتی که پایه خود را بر فقر و فلاکت تبعیض و بی‌کاری و اعتیاد بنا نهاده، اعتراض را نیز اینگونه جواب خواهد داد. ما با اعلام همبستگی با کارگران و مردم شهر بابک خواستار محاکمه بی‌چون و چرای مسببین این جنایت هستیم و برای رسیدن این عزیزان به

خواسته‌هایشان در کنار آنها هستیم. جمعی از کارگران کبریت سازی ممتاز تبریز ۱۰ بهمن ماه ۱۳۸۲"

کارگران شرکت صنعتی

سالمی تبریز

کارگران شرکت صنعتی سالمی در تبریز نیز اعتراض خود را به کشتار کارگران مس خاتون آباد اعلام داشته اند. در نامه این کارگران اینطور آمده است: "با تسلیت به خانواده‌های کارگران کشته شده در شهر بابک و حمایت از خواسته‌های برحق کارگران معدن مس خاتون آباد که خواست تمامی کارگران ایران است ما کارگران شهرک صنعتی سالمی خواستار محکوم کردن این حرکت وحشیانه حکومت از طرف تمامی سازمانهای حقوق بشر و اتحادیه‌های کارگری در تمام دنیا هستیم و اعلام می‌داریم تا رسیدن آنها به تمامی خواسته‌هایشان از آنها حمایت خواهیم کرد. گروهی از کارگران شرکت صنعتی سالمی ۱۱ بهمن ماه ۱۳۸۲"

دانشجویان دانشگاه تبریز

شمار زیادی از دانشجویان دانشگاه تبریز روز جمعه ۱۰ بهمن ماه با ارسال نامه‌ای به حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ابراز همدردی با کارگران خاتون آباد، کشتار و زخمی کردن کارگران را شدیداً محکوم کردند. در بخشی از این نامه آمده است که: "این اولین و آخرین کار رژیم برای تداوم حیات ننگین خود نمی‌باشد. ما جمعی از دانشجویان تبریز ضمن همدردی با خانواده‌های کارگران کشته شده و با اعلام همبستگی و محکوم کردن این عمل وحشیانه رژیم تا رسیدن به تمام خواسته‌های برحقشان در کنار کارگران خواهیم بود و از آنها پشتیبانی می‌کنیم."

گروههای کارگران و مردم

در سنجند و کامیاران

جمع‌هایی از کارگران و مردم سنجند و کامیاران طی طوماری تهاجم رژیم به کارگران و مردم بابک شهر را محکوم کردند.

در قسمتی از این طومار اعتراضی آمده است: "ما امضاء کنندگان این طومار ضمن تسلیت و ابراز همدردی با خانواده کارگران جانباخته، این یورش وحشیانه را از طرف آدم‌کش‌های نظام سرمایه‌داری شدیداً محکوم می‌کنیم و از مبارزات کارگران ذوب مس و همه کارگران در

سراسر ایران پشتیبانی می‌کنیم." این طومار را در سنجند جمع‌هایی از کارگران نساجی کردستان، کارگران خیزاب، کارگران خیاط، کارگران شاهر، کارگران شهرداری، کارگران شهرک صنعتی، کارگران راه و ترابری، کارگران کارخانه شیر، کارگران فرش بافی چیم، گلبافت، شین بافت و نقشین، کارگران فلزکار و جمعی از معلمان شهر سنجند و دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشجویان دانشگاه آزاد امضا کرده‌اند و در کامیاران کارگران ساختمانی، کارگران شهرداری، جمعی از جوانان، این طومار اعتراضی را امضاء کردند.

سقز و میوان

به یاد ۴ کارگر جانباخته ذوب مس خاتون آباد، مهدوی، مومنی، جاویدی و ریاحی جوانان شهرهای سقز و میوان آتش روشن کردند. در شهر سقز در عصر روز جمعه ۱۹ بهمن در چند نقطه شهر از جمله جاده کمربندی، چهار راه آزادی و میدان کریم آباد آتشی بزرگی روشن کردند که بیش از یکساعت برافروخته ماند. این اقدامات توجه بخش عمده‌ای از مردم این دو شهر را به مناسبت گرامیداشت یاد کارگران جانباخته ذوب مس کرمان جلب کرد.

تهران، کارگران بخش ساختمانی

و برق صنعتی و بخشی از

کارگران تاسیساتی

کارگران بخش ساختمانی و برق صنعتی و بخشی از کارگران تاسیساتی در تهران با صدور اطلاعیه‌ای که رونوشت آنرا به حزب کمونیست کارگری ارسال داشته‌اند، از کارگران خاتون آباد حمایت کرده‌اند. در این اطلاعیه ضمن اشاره به مصاف طبقه کارگر با رژیم اسلامی سرمایه‌داران و لزوم اتحاد همه جانبه کارگران، جمهوری اسلامی بعنوان رژیم کشتار و سرکوب محکوم شده و از خواسته‌های کارگران مجتمع مس خاتون آباد حمایت شده است.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است که: "سرکوبگران اعم از اصلاح طلبان و محافظه‌کاران در یک جهت آنهم سرکوب آزادیخواهی و ماندن و حفظ نظام مشترکند. جنبش اجتماعی گسترده و در حال آماده شدن در جهت رودررویی با هر دو جناح و کل نظام در جریان است. اینها می‌خواهند این جنبش اجتماعی گمراه بشود تا خود و نظامشان تا چند

صبح جان سالم بدر برند. این جنبش اجتماعی که به چپ هم چرخیده به هر دو جناح نه‌بزرگی گفته است و آنرا در ۱۸ تیر و روزهای قبل از آن و ۱۶ آذر بازتاب جهانی داشته است. جامعه ایران از پائین به حرکت در آمده و اینها خوب این مسائل را درک کرده‌اند و با وجود این می‌خواهند بمانند و پرونده‌های قطوری به جنایت‌پیشانی بیفزایند."

"کارگران در خاتون آباد چه گفته‌اند و چه خواسته‌ای داشته‌اند که با گلوله به استقبالشان رفته‌اند؟ ما پشتیبانی خودمان را از کارگران خاتون آباد اعلام می‌کنیم." اطلاعیه کارگران ساختمان، برق صنعتی و تاسیسات تهران سپس به بالا گرفتن اعتراضات کارگری اشاره دارد و چنین ادامه پیدا می‌کند: "کارگران پتروشیمی موقعیت شغلی متزلزلی دارند و برای نجات از این وضع در حال مبارزه و کشمکش با سرمایه‌داران هستند. کارگران فرش گیلان و الکتریک و بخشهای زیادی از کارگران گیلان درگیر و در حال اخراج هستند. اعتراض در محیط‌های کار دارد به اوج خود می‌رسد. سرنوشت این مبارزه در دست خود کارگران است. باید از پراکندگی پرهیز کرد. کارگران بخشی از جامعه ایران هستند که اگر متشکل نباشند در این بحران بیشترین صدمه را خواهند دید."

این اطلاعیه سپس به نقش تحول ساز طبقه کارگر می‌پردازد و می‌نویسد: "جنبش طبقه کارگر بخشی از جنبش اجتماعی برای دگرگونی است. یک جنبش اجتماعی معترض به حاکمیت در جریان است و ترس از این جنبش نیروهای حاکمیت را بجان هم انداخته است. این جنبش به حاشیه نمی‌رود و کارگران در این نحول دارای نقش اساسی هستند. مطرح بودن در این برهه از تاریخ تحول اجتماعی ایران برای جنبش کارگری یک ضرورت است." کارگران بخش ساختمانی و برق صنعتی و بخشی از کارگران تاسیساتی در تهران اطلاعیه خود را با شعارهایی چون "مجمع عمومی قدرت واقعی کارگران است" و "زنده باد جنبش مجمع عمومی" به پایان می‌برند.

جمعی از کارگران و کارکنان

واحدهای صنعتی تهران، کرج، و

قلعه حسن خان

جمعی از کارگران و کارکنان واحدهای صنعتی تهران، کرج، و قلعه حسن خان

طی نامه‌ای اعتراضی که نسخه‌ای از آن به "سایت کارگران" ارسال شده، ضمن تسلیت به کارگران و مردم ایران و محکومیت رژیم اسلامی در یک قطعه نامه ۸ ماده‌ای مطالبات خود را مطرح کرده‌اند. بخشی از این نامه اعتراضی چنین است:

"ما جمعی از کارگران و کارکنان واحدهای مختلف صنعتی تهران و کرج و همچنین کارگران اخراجی و بی‌کار منطقه قلعه حسن خان و شهرکهای اطراف تهران ضمن اعتراض و ابراز تنفر و انزجار خود از حمله و سرکوب و کشتار وحشیانه رژیم سرمایه‌به‌تجمع اعتراضی کارگران ذوب مس خاتون آباد و همچنین اعتراضات کارگران و زحمتکشان شهرستان شربابک، به بازماندگان این فاجعه دلخراش تسلیت عرض نموده و همدردی و همبستگی خویش با این عزیزان را به اطلاع مردم شریف ایران می‌رسانیم و از کلیه سازمانها، انجمن‌ها و گروههای کارگری و انساندوست می‌خواهیم که به صف اعتراض علیه این جنایات و حمایت از کارگران متحصن پیوسته و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان دولت و همه ایران برسانند. ما پیگیرانه خواستار اقدام فوری و همزمان تمامی مواد قطعنامه زیر برای احقاق حقوق کارگران و زحمتکشان و مردم شریف کارخانه مس خاتون آباد و شهر بابک می‌باشیم: ۱- محاکمه و معرفی

آمرین، مسببین و مسئولین اجرای این جنایت به مردم و رساندن به سزای اعمال جنایتکارانه‌شان. ۲- جلب رضایت و پرداخت غرامت به تمامی آسیب‌دیدگان این حادثه هولناک و خانواده کارگران جانباخته و بیمه و تامین مادام‌العمر هزینه زندگی‌شان. ۳- عذرخواهی رسمی دولت، وزارت کشور، استانداری و فرمانداری کرمان، نیروی انتظامی و همه مسئولین و عوامل این اقدام وحشیانه از کارگران و مردم زحمتکش و شریف خاتون آباد و شهرستان شهر بابک و همه کسانی که در این رابطه آسیب دیده‌اند. ۴- لغو فوری و بدون قید و شرط فروش شرکت مس خاتون آباد و تمامی شرکتها، تحت عناوین خصوصی سازی و غیره ۵- آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران، زحمتکشان و مردم شریف خاتون آباد و شهر بابک که بدنبال وقایع دستگیر شده‌اند. ۶- بازگرداندن بدون قید و شرط تمامی کارگران اخراجی و

دستمزد کارگران حداقل باید به اندازه حقوق نمایندگان مجلس افزایش یابد

مفتخوران باشد! هیچ عذر و بهانه ای را بر سر مسئله مزد و افزایش حداقل دستمزد تا سطح تامین نیازهای یک زندگی مرفه نباید پذیریم و نمی پذیریم. مشکلات اقتصادی دولت ربطی بما ندارد همانطور که از توفیق اقتصادی سرمایه داران چیزی نصیب ما نمی شود. یک دهم دزدیها و سوء استفاده ها برای افزایش دستمزد کارگران تا سطح حقوق نمایندگان مجلس کافی است. دستمزدها باید به میزانی افزایش یابد که فقر و تنگدستی فعلی جای خود را به رفاه و آسایش بدهد.

کارگران

مجامع عمومی تان را در همه جا برپا کنید و متحدانه تصمیم بگیرید که این سطح از دستمزد را نپذیرید. با صدور بیانیه و قطعنامه، با دست زدن به اعتصابات متحد و سراسری انتظار و توقع خود را از میزان حداقل دستمزد اعلام کنید. اعلام کنید که دستمزد کارگران باید تا میزان حقوق نمایندگان مجلس مفتخوران افزایش یابد. تنها اعتراض گسترده و سازمان یافته شما میتواند جمهوری اسلامی را تسلیم کند. کارگران، معلمان، پرستاران، مردم زحمتکش، اتحاد و تنها اتحاد و مبارزه متحد و همزمان شما آن اهرم قدرتمندی است که زندگی شما را تغییر میدهد. وقت اعتصابات و اعتراضات متحد و سراسری کارگران و مردم زحمتکش فرارسیده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ فوریه ۲۰۰۲ - ۲۱ بهمن ۱۳۸۲

رونوشت به: دپارتمان امور خارجی نروژ، سفارت ایران در اسلو، سازمان بین المللی انرژی و معادن در فرانسه، سازمان عفو بین المللی، سازمان بین المللی کار*
کمپین حزب کمونیست کارگری ایران برای محکومیت بین المللی کشتار کارگران ذوب مس خاتون آباد ادامه دارد. *

در پایان هر سال رژیم اسلامی سرمایه داران میزان حداقل دستمزد کارگران را برای سال آتی تعیین میکنند. امسال زمزمه هائی شنیده میشود که دولت تصمیم به انجام دستمزدها و یا در بهترین حالت یک افزایش دستمزد ۹ درصدی دارد. این در حالی است که در ۲۵ سال گذشته سطح زندگی کارگران با توجه به تورم هر سال پائین تر آمده است و کارگران چندین بار زیر خط فقر زندگی میکنند. این در حالی است که اقلیتی مفتخور هرروزه دهها میلیون دلار حاصل دسترنج کارگران را به جیب میزنند. این در حالی است که بساط لغت و لیس و بچاپ بچاپ دربارها و آقازاده ها سر به فلک میزنند. چرا دستمزد کارگران نباید حداقل به اندازه حقوق نمایندگان مجلس و مقامات وزارت اطلاعات باشد؟ افزایش ۹ درصد و حتی ۲۰ درصد چه مشکلی را حل میکند! مگر خودشان نمیگویند که خط فقر حدود ۳۰۰ هزار تومان است و حداقل دستمزد کارگران ۸۵ هزار تومان! و تازه چرا حقوق کارگر باید با خط فقر مقایسه شود!

کارگران، و نه فقط کارگران بلکه معلمان و پرستاران و سایر مردم زحمتکش باید بدون کم و کاست خواهان همان میزان از دستمزد شوند که نمایندگان مجلس اسلامی دارند. مگر نماینده مجلس حاضر است که با میزان دستمزد کارگران و معلمان پایش را در مجلس بگذارد؟ مگر رئیس مجلس و وزیر کار و افراد بیت رهبری حکومت حاضرند با چنین حقوق هائی زندگی کنند؟ چرا باید کارگران و سایر حقوق بگیران درآمدشان کمتر از این اف.اس." از تمام کارگران ایران که برای حقوق انسانی، حرمت انسانی و شرایط کار قابل قبولی که در ورای خط فقر باشد مبارزه میکنند، حمایت میکنند. فدراسیون کارگران نفت مطمئن است که نهایتا مبارزه این کارگران به پیروزی خواهد رسید. با احترام رئیس فدراسیون کارگران نفت نروژ، تریه نوستاد

کشته است. این یک حمله شوک آمیز و غیر قابل قبول به کارگرانی است که حق اعتراض کردن باید یک حق ابتدایی و انسانی آنها باشد. اتحادیه کارگران مونتاژ استرالیا خواهان انجام یک تحقیقات عاجل در مورد این واقعه است و در همانحال خواستار برداشتن گامهایی از سوی حکومت ایران در تضمین حقوق کارگران و حقوق اتحادیه ای است. شماری از اتحادیه های دیگر استرالیا نیز از کارگران ذوب مس خاتون آباد حمایت کرده اند که بعدا باطلاع خواهد رسید."

فدراسیون کارگران نفت نروژ

فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت نروژ در نامه ای به خاتمی و خامنه ای کشتار کارگران خاتون آباد را شدیداً محکوم کرد. در این نامه که یک نسخه از آن همراه با یک یادداشت از طرف رئیس اتحادیه به واحد حزب کمونیست کارگری در نروژ و دفتر مرکزی حزب در بریتانیا ارسال شده اینطور آمده است:

"به رئیس جمهور خاتمی و خامنه ای - تاریخ ۹ فوریه ۲۰۰۴ - شماره: ۰۴ - ۱۰۵۴۹۲"

فدراسیون کارگران نفت نروژ (OFS) بار دیگر در مورد سرکوب مردم توسط حکومت اسلامی ایران مطلع شده است. یک گروه ترور دولتی بنام "تیروی تامین" بنظر میرسد که مستقیماً مسئول کشتار چهار کارگر ذوب مس خاتون آباد و زخمی کردن شدید بسیاری دیگر از کارگران است. کارگرانی که دست به یک تظاهرات مسالمت آمیز علیه شرایط کار خود زده بودند. این اعمال وحشیانه در ژانویه ۲۰۰۴ صورت گرفت و هنوز این نیروی ترور کارگرانی را که از فعالین حقوق دموکراتیک کارگران حمایت میکنند، سرکوب میکنند.

فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت اعتراض شدید خود را به این توحش و سرکوب مردم در ایران اعلام میکند. حکومت شما بطور روزمره توافق نامه های حقوق بشر را زیر پا میگذارد. شیوه ای که شما با مردم رفتار میکنید هیچ حقانیتی برای حکومت اسلامی باقی نمیگذارد. این اقدامات شرم آور است. تمام جهان اکنون آگاه است که شما برای اداره دموکراتیک جامعه مشکل دارید. فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت از همین رو خواهان اینست که یک هیئت بین المللی از آی ال او این جنایت را مورد تحقیق قرار دهد. کسانی که مسئول این اعمال هستند باید در دادگاههای علنی محاکمه شوند. خواست کارگران (در ایران) کمترین چیزی است که باید عملی شود. "او.

خود را به قتل ۴ کارگر اعتصابی ذوب مس در کرمان توسط نیروهای امنیتی ایران اعلام میدارم. اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی این حمله وحشیانه به کارگران در ایران را محکوم میکند. از شما میخواهم که انزجار شدید ۳۰ هزار کارگر ساختمانی در نیو ساوت ویلز استرالیا به این عمل تجاوزکارانه را به اطلاع حکومت در ایران برسانید. ما تاکید میکنیم که اگر این اتحادیه دوباره گزارشهایی از این قبیل رویدادها را دریافت کند، ما برای آگاهی افکار عمومی تمام مردم استرالیا از سرکوبگری حکومت شما در قبال کارگران، کمپینی افشاگرانه را در این کشور به جریان خواهیم انداخت."

اتحادیه کشتیرانی استرالیا

اتحادیه کشتیرانی استرالیا شعبه "نیو ساوت ویلز" در نامه ای به سفیر جمهوری اسلامی در استرالیا کشتار کارگران ذوب مس خاتون آباد را شدیداً محکوم کرد. در این نامه آمده است: "اتحادیه کشتیرانی استرالیا حمله خونین و خشونت آمیز اخیر نیروهای ویژه ایران به کارگران معدن مس خاتون آباد کرمان را محکوم میکند. اتحادیه کشتیرانی قویا معتقد است که حکومت شما تعدادی از مصوبات بین المللی حقوق بشر مخصوصاً در رابطه با حق تشکل و حق اعتصاب و اصول آزادی تشکل را تضییع کرده است... این واقعه نمونه پایمال کردن حقوق پایه ای بشر است. این انزجار آور و وحشتناک است که دولت شما آشکارا مردمی را که تنها گناهشان تظاهرات برای عدالت و گرفتن مطالباتشان است کشته و زخمی می نماید. ما مطالبه میکنیم که دولت شما این قبیل اعمال تکان دهنده و غیر قابل قبول را پایان دهد و فوراً آن بخش از مقررات سازمان ملل را که به حقوق کارگران در فعالیت آزادانه آنان برای سعادتشان مربوط میشود در پیش گرفته و اجرا نماید. با احترام رابرت کومبیس دبیر شعبه نیو ساوت ویلز"

اتحادیه مونتاژ استرالیا

اتحادیه کارگران مونتاژ استرالیا با ارسال یک نامه اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی در این کشور مراتب اعتراض خود را به کشتار کارگران اعلام کرد. در نامه ای که رئیس این اتحادیه، آقای تیم آیرس، به سفیر ایران نوشته آمده است که: "اتحادیه کارگران مونتاژ استرالیا گزارشی دریافت کرده است که نیروهای امنیتی ایران ۴ کارگر را در جریان تظاهرات علیه بیکار شدن در معدن مس خاتون آباد

پرداخت تمامی حقوق معوقه به آنان و خانواده هایشان. ۷- دادن تضمین کاری قانونی و بیمه های تامین اجتماعی، خدمات درمانی و بیمه بیکاری برای کارگران و همچنین خانواده و وابستگانشان. ۸- به رسمیت شناختن حق تشکل، تجمع، اعتراض و اعتصاب کارگران بعنوان حق مسلم و بلافصل شان به هنگام کار و بیکاری آنان.

درد بر کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز و شریف خاتون آباد و شهر بابک کرمان!

گرامی باد یاد جانبختگان کارگر! مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد اتحاد کارگران!

آزادی برابر حکومت کارگری گروهی از کارگران و کارکنان و همچنین کارگران اخراجی و بیکار واحدا و مناطق مختلف صنعتی تهران، کرج و قلعه حسن خان ۲۰ بهمن ماه ۱۳۸۲"

اتحادیه های کارگری کانادا

در ادامه کمپین جلب حمایت از کارگران ذوب مس خاتون آباد در کرمان، و با تماس عباس محمدی دبیر کمیته همبستگی بین المللی کارگران و عضو هیات اجرایی شورای کارگران ویکتوریا با شماری از رهبران اتحادیه های کارگری کانادا، ۲۳۵ تن از رهبران و فعالین کارگری اعتراض خود را به تهاجم جمهوری اسلامی به تجمع کارگران ذوب مس کرمان اعلام کردند. رهبران و فعالین اتحادیه ها در اردوی زمستانی کنگره کار کانادا از جمله "پائول پیروت" مسئول دفتر خاورمیانه کنگره کار کانادا حمله نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به کارگران را محکوم کردند و جمهوری اسلامی را بخاطر نادیده گرفتن حق تشکل و حق اعتصاب کارگران مورد اعتراض قرار دادند. شرکت کنندگان در این اردوی زمستانی ضمن اعلام همبستگی با مبارزات کارگران ذوب مس و خانواده های آنان، از خواسته های کارگران مبنی بر امنیت شغلی و مخالفت با بیکار سازی و خصوصاً کردن معادن مس دفاع کردند.

اتحادیه ساختمانی، جنگل داری، معدن و انرژی استرالیا

رئیس بخش ساختمانی اتحادیه ساختمانی، جنگل داری، معدن، و انرژی کانبرا در استرالیا در نامه ای اعتراضی به سفیر ایران در این کشور جمهوری اسلامی را بخاطر حمله به کارگران شدیداً محکوم نمود. در این نامه اینطور آمده است:

"با این نامه شدیدترین اعتراض